

ابن شهر آشوب عالم تقریبی قرن ششم^۱

امان‌الله شفاپی^۲

چکیده

ایده اصلی نوشتار حاضر ترسیم و توصیف منش و کنش تعامل‌گرای ابن شهر آشوب با اهل سنت است. ابن شهر آشوب به عنوان اندیشمند و عالم بزرگ شیعی قرن ششم هجری بر اساس روش اعتدال‌گرایی و عقل‌محوری، راه تعامل و تعاون با اهل سنت را در پیش گرفته بود. او کسی بود که بی‌پروا و فارغ از هر عصبیتی به مجامع علمی اهل سنت وارد می‌شد و در محضر هر آن کس که می‌توانست از او بیاموزد زانوی تلمذ به زمین می‌زد. از این رو وی در علم رجال و حدیث در هر کجا که به روایت شخصی از اهل سنت اطمینان حاصل می‌نمود آن روایت را در طریق روایی خود قرار داده و نام رجال حدیثی اهل سنت را ذکر می‌نمود. در عرصه علوم قرآن و تفسیر و نیز در سایر علوم به‌ویژه فقه و اصول، ابن شهر آشوب همین مشرب را در پیش گرفته بود. نکته جالب این‌که در علم کلام که میان شیعه و سنی علمی متمایز از سایر علوم شناخته می‌شود، ابن شهر آشوب باز هم از راه تعامل وارد شده و در مشهورترین کتابش «مناقب آل ابی‌طالب»، اساس ذکر فضایل معصومین علیهم‌السلام را بر روایت‌های معتبر اهل سنت قرار می‌دهد. گفتمان و منش تعامل‌گرای ابن شهر آشوب به‌ویژه در خصوص مباحثات علمی و فکری چنان بود که احترام بسیار زیاد رجال بزرگ دینی اهل سنت را نسبت به خود برانگیخته و بزرگانی از اهل سنت در رسای شخصیت فراقه‌ای وی عبارات نغز و تأمل‌برانگیزی را به کار برده‌اند.

واژگان کلیدی: ابن شهر آشوب، تعامل، اهل سنت، تشیع.

مقدمه

در میان علمای بزرگ شیعی قرون میانه، ابن شهر آشوب دارای چنان جایگاهی است که وی را پس از شیخ طوسی (ره) «شیخ طایفه ثانی» لقب داده‌اند. این شخصیت بزرگ در دوران نزدیک به یک قرن

۱- تاریخ ورود: ۱۳۹۰/۱۱/۱۰؛ تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۱۱/۲۵.

۲- دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و کارشناسی ارشد علوم سیاسی.

حیات خود خدمات ارزنده‌ای به مکتب تشیع انجام داد و در حقیقت می‌توان وی را شخصیتی دانست که مشعل تشیع را در دوران عسرت روشن نگاه داشت. ابن‌شهرآشوب شخصیتی جامع داشت که از یک سو در حوزه‌های مختلف علوم حدیث و تفسیر سرآمد روزگار خود و از طرف دیگر فردی اجتماعی و جهان‌دیده بود. او روحیه‌ای بی‌قرار داشت و پیوسته برای کسب تجربیات جدید و تبلیغ مکتب تشیع مسافرت می‌نمود.

یکی از نکات برجسته در کارنامه ابن‌شهرآشوب تعامل وسیع و هدف‌مند او با فرقه کلامی اهل سنت بود. چنان‌که در دوران خود و حتی پس از خود در نزد عوام و خواص اهل سنت شخصیتی مورد احترام بود، به‌رغم آن‌که همگان بر شیعه بودن او آگاه بودند. ابن‌شهرآشوب فردی بود که برای کسب علوم هرگز خود را در پیچ و خم عقیده گرفتار نمی‌نمود؛ از این رو هر جا کسی را می‌یافت که می‌توانست از او توشه‌ای بگیرد، نزد وی زانوی تلمذ می‌زد. از این رو بسیاری از بزرگان اهل سنت معاصرش، نخستین و مهم‌ترین استادان دوران تحصیل او را تشکیل می‌دهند. ابن‌شهرآشوب زمانی که بر کرسی تدریس نشست و شخصیتی نامی شد، باز هم با علما و مجامع علمی اهل سنت قطع ارتباط نکرد. این در حالی بود که او با جدیت تمام در مسیر تبلیغ و ترویج مکتب تشیع اهتمام ورزید. کتاب «مناقب» او میزان عرق مذهبی و دقت علمی وی را در معرفی و اثبات حقانیت مکتب تشیع نشان می‌دهد.

نوشتار حاضر بر آن است تا به این سؤال پاسخ دهد که ابن‌شهرآشوب به عنوان شخصیت بزرگ تشیع در قرن ششم هجری در رویارویی با اهل سنت چه رویکردی را در پیش می‌گرفت. از این رو در مبحث دوم نوشتار این فرضیه مورد تحلیل و توصیف قرار خواهد گرفت که ابن‌شهرآشوب به عنوان بزرگ‌ترین شخصیت تشیع در دوران خود در رویارویی با اهل سنت فردی تعامل‌گرا بود و در منابع شیعه و سنی نمونه‌های بسیاری از تعاملات وی با رجال دینی و علمی اهل سنت وجود دارد.

زندگی و زمانه ابن‌شهرآشوب

ابوجعفر محمد بن علی بن شهرآشوب ملقب به زین‌الدین و معروف به ابن‌شهرآشوب در سال ۴۸۹ق چشم به جهان گشود و در سال ۵۸۸ق در شهر حله از دنیا رفت. (امین عاملی، ۱۳۰۴ق، ج ۱، ص ۸۲) او تحصیل علوم را نزد پدر و نیای خود آغاز کرد و از آنها اجازه اجتهاد گرفت و سپس به شهرهای بسیاری در ایران و عراق و سوریه سفر کرد و با علمای بسیاری هم‌نشین شد و عظمت ویژه‌ای یافت؛ چنان‌که پس از شیخ طوسی به «شیخ‌الطایفه» معروف شد (مدرسی، بی‌تا، ج ۴ و ۵، ص ۵۹).

همه شرح‌حال‌نویسانی که درباره او نوشته‌اند، او را به نیکی یاد کرده و ستایش و تمجید نموده‌اند. مرحوم شیخ عباس قمی در «سفینة البحار» از او چنین یاد کرده است: «ابن‌شهرآشوب السروی مازندرانی فخر شیعه و روح‌الشریعه و شیخ‌المشایخ امامیه است». او سپس می‌افزاید: «در فضیلت او

همین کافی است که برجستگان اهل سنت به بزرگواری و علو مقامش اذعان کرده‌اند.» (قمی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۷۲۶).

نام کامل او در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی چنین آمده است: «ابوجعفر محمد بن علی بن شهر آشوب بن ابی نصر سروی مازندرانی ملقب به رشیدالدین و عزالدین» (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۰ش، ج ۴، ص ۹۰). در نسبت سروی که به وی و پدر و جدش داده‌اند، بر می‌آید که اصل این خاندان از ساری مازندران بوده است، اما این که محل تولد خود او نیز در مازندران بوده است یا خیر نمی‌توان با اطمینان اظهار نظر کرد. وی از کودکی به تحصیل علم پرداخت، چنان که در هشت سالگی قرآن را از برداشت (پیشین). فیروزآبادی در کتاب «البلغه» او را جزء ائمه نحو و لغت دانسته است (طهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۶، ص ۲۴۳). و مرحوم شیخ عباس قمی هم شخصیت او را برای شیعه همانند خطیب بغدادی برای اهل سنت می‌داند که دارای تصانیف و تعلیقات و رجال و مراسیل و علوم دیگر است (قمی، پیشین).

وی از دانشمندان و برجستگان شیعه در زمان خود بود و به علوم مختلف از جمله علم حدیث، اصول، نحو، فقه، وعظ و منبر، احاطه کامل داشت و ظاهراً در این زمینه‌ها گوی سبقت را از دیگران ربوده بود. بی‌جهت نیست که درباره او گفته‌اند که «وی امام عصر خود و یگانه دهر بوده است.» (امین عاملی، پیشین، ج ۴، ص ۱۳۶).

این شهر آشوب مسافرت‌های زیادی به بلاد مختلف اسلامی داشت و دارای آثار و تألیفات زیادی است و محضر استادان بزرگی را درک کرده و نیز شاگردان برجسته‌ای را تربیت کرده است. از آن جا که وی با مردان بزرگی دیدار کرده و در علوم مختلف تبحر یافته است، معلوم می‌شود که در جاهای مختلفی از بلاد اسلامی زندگی کرده است. درباره سفرهای علمی وی، تنها به این نکته اشاره شده است که به دنبال درگیری با حکمران مازندران، آن دیار را ترک کرده و رهسپار بغداد شده است. وی در این شهر به وعظ و مناظره پرداخت و نزد خلیفه وقت «مقتضی» منزلتی یافت، اما پس از مدتی اقامت در بغداد آن شهر را ترک کرده به موصل و سپس به حلب رفت. او در حلب درگذشت و در نزدیکی محلی به نام مشهدالحسین به خاک سپرده شد. وفات وی بنا بر نقل مورخین در سن ۹۹ سالگی در روز بیست و دوم شعبان سال ۵۸۸ اتفاق افتاده است (موسوی بجنوردی، پیشین، ص ۹۱).

منش و روش اعتدال‌گرای ابن شهر آشوب

از جمله ویژگی‌های ابن شهر آشوب، بر اساس تذکره‌ها، ملیح‌المحاوره بودن ایشان بوده است که این ویژگی به خودی خود، باعث تقویت ارتباط وی با فرقه‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی می‌شده است (مدرسی، پیشین، ج ۸، ص ۵۸). در حقیقت زمانی می‌توان از تعامل‌گرایی در مورد شخصیتی سخن گفت که پیش از آن منش و روش اعتدال‌گرا و سعه صدر وی در قبال دیگران به‌ویژه مخالفانش به اثبات رسیده باشد. از این رو درباره ابن شهر آشوب می‌توان گفت که وی سینه فراخ و ذهنی گشاده

داشت که بسیاری از جمله اهل سنت در گفتمان تقریبی و اعتدال‌گرایی وی می‌گنجیدند. او که فردی شیفته علم‌آموزی و دانش‌اندوزی بود، با توجه به محدودیت دسترسی به اندیشمندان و مراکز علمی، به هر آنچه و هر آن کس که دست می‌یافت مراجعه می‌نمود. از این رو بسیاری از بزرگان اهل سنت در لیست استادان وی قرار دارند. همچنین وی زمانی که به درجه استادی رسیده بود، در حلقه‌های درس وی دانشورانی از فرقه‌های مختلف اسلامی می‌نشستند و با او وارد مباحثه و یا مناظره می‌شدند. اسامی مخالفین تشیع و نظریات فرقه‌های مختلف کلامی در کتاب‌های وی که در علم حدیث و تفسیر تبحری بسیار داشت، دیده می‌شود. ایشان نظریات رجالی و تفسیری آنان را نقد و ارزیابی می‌نمود و در تمام این نقض و ابرام‌ها هرگز به کسی به صرف اعتقاداش توهین و یا گستاخی نکرده و صرفاً از جنبه علمی موضوع را بررسی می‌نمود. در نمونه جالب زیر وسعت دید ابن‌شهر آشوب نسبت به فرقه‌های مختلف کلامی و دامنه کار او همراه با ادبیات عالمانه وی در حوزه نقادی به خوبی به دست می‌آید. ایشان در ذیل «آیه الكرسي» فرازهای مختلف آیه شریفه را متوجه نقد یکی از گروه‌های اعتقادی دانسته و در یگ گفتمان منطقی و عقلایی باورهای ناصواب مخالفین را رد می‌کند. او می‌نویسد:

«الله لا اله الا هو الحي القيوم»... رد بر تمامی (اقسام) کافران است. «الله» که اثبات خدا می‌کند رد بر «دهریه» است که قائل به عدم وجود خدا هستند. «لا اله الا هو» رد بر دوگانه‌پرست‌هاست، زیرا ایشان گویند خدا آفریننده خیر و ابلیس آفریننده شر و شریک خداست. «الحي» رد بر بت‌پرست است. «القيوم» رد بر اصحاب طبایع است که به کمون و ظهور [اشیا] باور دارند. «لاتأخذ سنة و لانوم» رد بر کسی است که به خدایی عزیز و مسیح اعتقاد دارد. و همچنین رد بر جهم است که گوید خداوند با علم محدث عالم است پس سهو بر او رواست. «له ما فی السموات وما فی الارض» رد بر مفوضه است که [می‌گویند] خداوند جهان را آفرید و کار آن را به شخص محدث سپرد. و نیز رد بر کسانی است که می‌گویند خداوند فقیر است و ما توانگریم. «من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه» رد بر کسی است که شفاعت را نفی می‌کند. «یعلم ما بین یدیهم وما خلفهم» رد بر جبریه است که می‌گویند خداوند عالم به یک علم و قادر به یک قدرت است. «ولایحیطون بشیء من علمه الا بما شاء» رد بر کاهنان و منجمان درباره اعتقاداتی است که پیرامون ستارگان دارند. «وسع کرسیه السموات والأرض» رد بر فلاسفه است که گویند جهان فقط زمین و افلاک است. «و لایؤوده حفظهما» رد بر ابن باور یهود است که خداوند در آفرینش نخستین خسته شد و روز شنبه استراحت کرد» (ابن‌شهر آشوب، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۶).

نمونه یاد شده نشان می‌دهد که ایشان تا چه اندازه با مبانی کلامی جریان‌های مختلف کلامی آشنایی داشته و رویکرد نقد عالمانه وی بسیاری از نظریات و اعتقادات مخالفین تشیع را در بر می‌گرفته است. از این رو بسیاری از منهج‌شناسان تفسیر و رجال، ابن‌شهر آشوب را مفسر و محدثی اعتدال‌گرا می‌شناسند. همان‌گونه که بسیاری از عالمان دیگر این دوره مانند امین‌الاسلام طبرسی و

شیخ عبدالجلیل رازی چنین بودند. البته ابن شهر آشوب در عین اعتدال‌گرایی و عقل‌محوری، در جای خود صراحت لهجه و شفافیت قلم نیز دارد. برای نمونه او معاویه ابی‌سفیان را نخستین کسی می‌داند که در میان امت اسلامی عقیده جبر‌گرایی را ابراز کرد و در ترویج آن کوشید (رک: ملکی میانجی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۲).

تمام آثار تألیفی برجای مانده از وی، از جمله کتاب معروف «مناقب آل ابی‌طلب» که بر محور توصیف فضایل ائمه اثنی‌عشری قرار دارد، از منش و روش معتدل او و پرهیز وی از افراط حکایت می‌کند. او در کتاب مناقب بدون تحدی به شخصیت‌های مورد احترام اهل سنت، اساس کتابش را در ذکر مناقب و فضایل معصومین علیهم‌السلام قرار داده است و در این راستا باز هم کوشش نموده است با امتزاج عقل و سنت، اصالت و حقانیت کلامی شیعه را به اثبات برساند. البته او در جای خود متعرض کلام اهل سنت نیز شده است اما مهم این است که او باز هم حد و مرز گفتمان اشکال و تشکیک را پاس داشته و از تندخویی و نابردباری پرهیز نموده است.

تعامل علمی با اهل سنت

پیرو منش و رویکرد اعتدال‌گرایی و عقل‌محوری ابن شهر آشوب، تعاملات گسترده‌ای میان ایشان با طبقات مختلف اهل سنت به ویژه با محدثان و مفسران اهل سنت در مناطق مختلف سرزمین‌های اسلامی به وجود آمد. ابن شهر آشوب از آن‌جا که روحی بی‌قرار داشت و حکمرانان مختلف نسبت به او حساسیت داشتند، نمی‌توانست برای مدت طولانی در نقطه‌ای بماند؛ از این رو پیوسته در حال مسافرت بود. او در سرزمین‌های اسلامی عربی و غیرعربی در هر جا که قدم می‌نهاد توجه اصحاب علم و اندیشه را به خود معطوف می‌داشت که در میان آنان شمار زیادی از علما و اندیشمندان اهل سنت وجود داشتند. به ویژه مسافرت وی از خطه مازندران و اسکان طولانی‌مدت او در بغداد شرایط تعاملات گسترده وی با رجال مذهبی و علمی اهل سنت را پدید آورد. در ذیل، تعاملات وی با بزرگان و اندیشمندان اهل سنت را در ابعاد مختلف بررسی می‌کنیم.

۱- تعامل با علمای اهل سنت

همان‌گونه که گفته شد، ابن شهر آشوب ذهنی روشن و منظری بلند داشت. از این رو در علم‌اندوزی و کسب دانش خویش را در دایره مکتب تشیع محصور نمی‌کرد. وی چه زمانی که در مازندران می‌زیست و چه زمانی که به سایر شهرهای ایران کنونی مسافرت می‌نمود و چه زمانی که در بغداد سکنی گزید و حتی زمانی که در شهرهای موصل، حله و حلب اقامت نموده بود، همواره در پی دانش‌اندوزی و رسیدن به حقایق بود. از این رو مورخان در شرح حال او در کنار علمای بزرگ شیعه، فهرستی از عالمان بزرگ اهل سنت را آورده‌اند که ابن شهر آشوب یا در محضر آنها تلمذ کرده است و یا این‌که با آنان در حوزه‌های مختلف به‌ویژه در علم رجال و تفسیر همکاری داشته است.

مشهورترین اندیشمند سنی معاصر ابن شهر آشوب که وی در محضر او تلمذ کرده است «جارالله زمخشری معتزلی» (۴۶۸-۵۳۸م) است که کتاب «تفسیر کشاف» و «ربیع‌الابرار» و «الفایق فی غریب الحدیث» را که همه از تألیفات خود زمخشری است در نزد او خوانده است و از این استاد اجازه نقل روایت نیز گرفته است (رک: ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ق، ص ۸). جارالله زمخشری در سال ۵۲۸هـ کتاب تفسیر کشاف را تألیف نموده و در سال ۵۳۸هـ دار فانی را وداع گفته است. از این که ابن شهر آشوب کتاب‌های زمخشری را در نزد خودش خوانده و اجازه نقل روایت آنها را گرفته برمی‌آید که وی در بین سال‌های ۵۲۸-۵۳۸ به شهر خوارزم رفته و در آن‌جا با او ملاقات کرده و از وی کسب علم کرده است (امسوی بجنوردی، پیشین، ج ۴، ص ۹۰). با توجه به فاصله زیاد خوارزم از مناطق مرکزی سرزمین‌های اسلامی می‌توان عزم قاطع و اراده جدی ابن شهر آشوب را در تحصیل علوم و آن هم از شخصیتی غیرشيعی به دست آورد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر مسافرت‌های ابن شهر آشوب با تحقیقات علمی مرتبط بوده است بدون آن که برای وی اهمیتی داشته باشد که مقصد مسافرت او منطقه سنی‌نشین است و یا شیعه‌نشین، و بدون آن که برای وی تفاوت کند شخصیتی که وی از او می‌آموزد، شیعه است یا سنی.

ابن شهر آشوب در مورد علم رجال از مشایخ بسیاری در کتاب‌های خود نام برده که از جمله آنها ابو عبدالله محمد بن احمد نطنزی است. او مؤلف کتاب «الخصائص العلویه علی سائر البریه» است. ابن شهر آشوب که مدتی نزد وی شاگردی کرده است وی را در کتاب خود مورد ستایش قرار داده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ق، ص ۱۱۹).

ابن شهر آشوب از دیگر مشایخ حدیث همانند احمد غزالی، خطیب خوارزمی که از مفاخر رجالی اهل سنت در علوم حدیث هستند بهره برده است؛ همان‌گونه که برخی رجال حدیث اهل سنت در کتاب‌هایشان از ابن شهر آشوب روایت‌هایی نقل نموده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: ابن طریق حلی، ابن ابی طی حلبی و ابن زهره حلبی (رک: ابن شهر آشوب، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۶-۱۲).

ابن شهر آشوب که در علم تفسیر تبحری شگرف دارد و به عنوان مفسری عمیق و دقیق در توصیف بزرگان اهل سنت معرفی شده است، در مباحث تفسیری خود بدون کمترین تعصب، از مفسران بسیاری از اهل سنت استفاده می‌کند. از جمله این مفسران می‌توان به سدی، مقاتل، زمخشری، جبایی، واحدی، ماوردی، زجاج، خراد، نجاتی، عونى و... اشاره کرد.

وی در کتاب «مناقب آل ابی طالب» که معروف‌ترین اثر برجای مانده از ایشان است از دیدگاه‌های اهل سنت بسیار استفاده نموده و نام بزرگانی از آنها را ذکر می‌کند. این کتاب که نموداری از تحقیقات و مهارت وی در تاریخ و حدیث است، مشتمل بر تاریخ حیات چهارده معصوم و فضایل و مناقب آن ذوات مقدس است. ابن شهر آشوب در مقدمه مناقب به تفصیل و با عباراتی نغز علت تألیف کتاب را شرح می‌دهد و از کتاب‌های شیعه و سنی، گفتارهای علمای فریقین و شعرای مشهور عرب برای اثبات مدعای خود شاهد می‌آورد که از هر جهت جالب و با ارزش و حکایت‌کننده وسعت نظر و همت

عالی و شهامت آن بزرگمرد علم و دین است (دوانی، ۱۳۶۳ش، ج ۳، ص ۵۰۲). ابن شهر آشوب در مقدمه این کتاب انگیزه خود را از تألیف آن بیان می‌نماید که خلاصه آن چنین است:

«چون دشمنی کافران و خوارج را با امیرالمؤمنین دیدم و این که شیعه و سنی در امامت او اختلاف کرده‌اند و اکثریت مردم از ولایت اهل بیت بریده‌اند و از ذکر آنها ترس دارند و از دوستی ایشان اکراه دارند، من از خواب غفلت بیدار شدم و این تنبیه برای من لطفی بود که به کشف احوال و بررسی اختلاف اقوال پردازم. پس به بررسی اخبار و احادیث مضطرب و مختلف از ناکثین و قاسطین و مارقین و ... پرداختم و در این میان ناب‌ترین این روایات را قصه غدیر و آیه تطهیر و خبر طبر دیدم. گروهی از این دشمنان به عللی اخبار اجماعی را تأویل می‌کردند، جمعی در اخبار می‌افزودند یا از آن می‌کاستند، فضایل وارده در مورد اهل بیت را به دیگران نسبت می‌دادند و در این میان بر آن شدم که با دیده انصاف و خالی از نصب و اغماض، شبهه را از حجت، بدعت را از سنت، صحیح را از سقیم، حدیث را از قدیم، حق را از باطل، مفضول را از فاضل از هم جدا کنم. در این میان، از کتب اصلی اهل سنت و جماعت مطالبی را یافتم که هر دو بر آن اتفاق نظر کرده‌اند. در این مواردی که هر دو مذهب بر آن اخبار اتفاق نظر دارند، آن اخبار حاکم بر دو مذهب می‌شود و شاهی می‌شود برای حقانیت در اعتقاد درست و حق در بین آن دو مذهب. اعتقاد پیدا کردم که فرقه‌ای که خلاف آن چه را که معتقد است روایت کند به درستی خطا کرده است. پس چگونه ممکن است که انسان روایت کند آن چه که در نزدش کذب است و شهادت دهد به آن چه که بر خلافش اعتقاد دارد. عجب است که در روایاتشان حجت‌هایی بر ضدشان وجود دارد. پس این کتاب را نگاشتم» (ابن شهر آشوب، پیشین، مقدمه).

همان‌طور که از کلمات ابن شهر آشوب برمی‌آید، انگیزه وی بیان فضایل ائمه و معصومین علیهم‌السلام از زبان اهل سنت است؛ یعنی آن چه که از مناقب ایشان در کتاب‌ها و اخبار آنها آمده است. البته وی به کتاب‌های شیعه هم مراجعه نموده و از آنها روایت نقل می‌کند.

۲- ابن شهر آشوب در منظر بزرگان اهل سنت

به‌رغم غرض‌ورزی‌هایی که از سوی برخی اهل سنت نسبت به مکتب تشیع و بزرگان آن صورت می‌گیرد، باید گفت که ابن شهر آشوب از این جریان مستثنی است، زیرا وی به مانند برخی دیگر از عالمان بزرگ شیعی، در سراسر حیات طولانی خود همواره بر اساس منطق اعتدال‌گرایی با اهل سنت در ارتباط بوده و با بسیاری از بزرگان و اندیشمندان اهل سنت رابطه دوستی داشت. گشاده‌روی و اخلاق خوب ابن شهر آشوب سبب شده بود که محدثان، مفسران و فقهای اهل سنت چه در زمان حیات وی و چه پس از آن با احترام زیادی از او یاد کنند. عبارات برخی از رجال دینی و علمی اهل سنت در توصیف عظمت شخصیت ابن شهر آشوب چنان صادقانه و ارادتمندانه است که کسی باور نمی‌کند که این عبارات از سوی یک عالم دینی اهل سنت نسبت به یک عالم شیعی بیان شده است. در این جا به برخی از مهم‌ترین این توصیفات که در مکتوبات رجال بزرگ اهل سنت آمده است اشاره می‌کنیم:

۱- شمس‌الدین محمد بن علی بن احمد داودی مالکی یکی از شاگردان جلال‌الدین سیوطی در کتاب «طبقات‌المفسرین» درباره شخصیت علمی چندبعدی ابن‌شهرآشوب می‌نویسد:

«یکی از مشایخ شیعه به حدیث پرداخت و با رجال حدیث دیدار کرد. سپس به فقه پرداخت و در فقه اهل مذهب خود به درجه نهایت رسید. او در علم اصول چیره گشت چندان که از آفاق به او روی آوردند. در دانش قرآن، قراءات، غریب، تفسیر و نحو تبحر یافت. او پیشوای زمان و یگانه دوران بود. اشتغال غالب او در دانش قرآن و حدیث بود. او نزد شیعه در تألیفات در زمینه تعلیقات حدیث و رجال حدیث، مراسیل، متفق و متفرق و دیگر انواع دانش حدیث به مانند خطیب بغدادی برای اهل سنت است. او دانش گسترده داشت و صاحب فنون بسیار بود» (سیوطی، ص ۹۶).

۲- حافظ بن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲ق) در «لسان‌المیزان» درباره عظمت شخصیت ابن‌شهرآشوب می‌نویسد:

«ابن‌شهرآشوب از بزرگان شیعه است و ابن‌ابی‌بطنی در باره‌اش گفته است: ابن‌شهرآشوب به فراگیری علم حدیث اشتغال ورزید و در این راه با بسیاری از علمای حدیث ملاقات نمود. سپس به تحصیل علم فقه پرداخت و در آن به مقام عالی و نهایی رسید و در علم اصول نیز تتبع بیشتری نموده به مهارت کامل دست یافت و در علوم قرائت تفسیر از دیگران پیشی گرفت. او در مورد تمام علوم و معارف اسلامی، متفق، متفرق، موتلف، مختلف، فصل و وصل و فرق بین رجال خاصه و عامه، یعنی اهل سنت و شیعه، کتاب‌هایی تألیف و تصنیف کرده است» (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۹۹۵م، ج ۵، ص ۳۱۰).

۳- صلاح‌الدین صفدی از دیگر رجال نامدار قرن هشتم و نهم هجری در توصیف ابن‌شهرآشوب می‌گوید: «محمد بن علی بن شهرآشوب، یکی از سرشناسان شیعه است. او در هشت سالگی قرآن را حفظ کرده بود و در علوم اصول شیعه به حد نهایی رسید. وی در علوم قرآن و مشکلات حدیث و اخبار و لغت و نحو و موعظه در منبر در زمانی که خلیفه عباسی در بغداد بود تقدم داشت... وی دارای دانش وسیع بود، بیشتر عبادت می‌کرد و همیشه با طهارت بود.» (قمی، پیشین، ج ۱، ص ۷۲۶).

۴- مجدالدین بن محمد فیروزآبادی (متوفای ۸۱۷) در کتاب «البلغه» می‌نویسد: «ابن‌شهرآشوب دارای تألیفاتی است به نام «الفصول» در علم نحو ... و در کتاب «الجدیده» که فواید و گوهرهای بسیاری را در آن گرد آورده است...» (نوری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۴۸۵).

از مجموع اقوال بالا می‌توان چنین برداشت نمود که ابن‌شهرآشوب در پی تعاملات وسیع علمی و فکری که با اندیشمندان و علمای رشته‌های مختلف دینی اهل سنت داشت، در منظر آنان از چنان جایگاهی برخوردار است که بزرگانی همانند ابن‌حجر عسقلانی و فیروزآبادی و دیگران در رسای شخصیت وی عبارات بالا را به کار برده‌اند.

نتیجه گیری

در پی مشی اعتدال‌گرایی و خردورزی ابن‌شهرآشوب، طریق تعامل میان او و رجال بسیاری از بزرگان دینی و علمی اهل سنت گشوده شد. ابن‌شهرآشوب شخصیتی بود که خود را هرگز در قید و بند موطن و مکتب ننمود. از این رو وی بسیار سفر می‌نمود و در این سفرها تجربه‌های ارزشمندی اندوخت، به گونه‌ای که مسیر زندگی علمی و فکری وی را تغییر داد. او به مناطق مختلف اسلامی سفر می‌نمود و در هر جا که زمینه علم‌آموزی و دانش‌اندوزی را آماده می‌دید، رحل اقامت می‌افکند، فارغ از این که آن‌جا منطقه شیعه‌نشین است یا سنی‌نشین. او همواره به مراکز علمی اهل سنت و علمای بزرگ آن به دیده احترام می‌نگریست؛ از این رو وی قسمت بزرگی از زندگی خود را در بغداد و حلب گذراند. بغداد و حلب در آن شرایط از مناطق مهم اهل سنت محسوب می‌شد.

ابن‌شهرآشوب شخصیتی چندبعدی داشت. او از لحاظ اعتقادی سخت پای‌بند مکتب تشیع و آموزه‌های آن بود و برای اعتلای مکتب تشیع کتاب‌های گران‌قدری در ابواب حدیث، تفسیر، فقه و اصول نگاشت که به طور قطع مهم‌ترین کتاب وی «مناقب آل ابی‌طالب» در باب کلام است. وی در این کتاب باز هم بر اساس مشی اعتدال‌گرایی‌اش، از منابع و مصادر بسیاری از اهل سنت در خصوص فضایل معصومین علیهم‌السلام بهره برده است. هم‌چنین در آثاری که در علوم قرآن و تفسیر از وی برجای مانده، و بی‌محابا اقوال و آرای اهل سنت را نقل نموده و آنها را مورد نقد و ارزیابی قرار داده است. نکته جالب توجه این که وی هنگام نقل آرای مخالفان، صرفاً نام افراد را ذکر می‌کند بدون آن که به گرایش کلامی آنان اشاره‌ای کند، تا آن‌جا که خواننده اگر اطلاعات قبلی دربارهٔ مذهب آنها نداشته باشد، گمان می‌کند شیعه‌اند.

به طور کلی می‌توان گفت با توجه به عظمت شخصیتی ابن‌شهرآشوب و منش تعامل‌گرای وی در قرن ششم هجری، حقیقت وجودی شخصیت وی به خوبی تبیین نشده است، به گونه‌ای که اگر کتاب «مناقب آل ابی‌طالب» نمی‌بود، تا همین اندازه هم از او یاد نمی‌شد. حال آن که وی بیش از آن که یک عالم کلامی باشد، یک محدث، یک مفسر و یک فقیه بزرگ است که آرای وی معیار داورهای کرسی‌های نظریه‌پردازی، در مجامع علمی شیعه و سنی، قرار می‌گیرد. تا آن‌جا که در بسیاری از طرق حدیثی و رجالی اهل سنت نام ابن‌شهرآشوب دیده می‌شود و بزرگان دینی اهل سنت، از جایگاه علمی و فکری وی به شایستگی یاد کرده‌اند.

منابع و مأخذ

- ۱- ابن حجر عسقلانی، *لسان‌المیزان*، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۹۵م.
- ۲- ابن‌شهرآشوب، *مناقب آل ابی‌طالب*، مطبعة العلمیه، قم، ۱۴۱۸ق.
- ۳- _____، *معالم‌العلماء*، مقدمه سید محمد صادق بحر العلوم، نجف اشرف، ۱۳۸۰ق.
- ۴- _____، *متشابهات القرآن و مختلفه*، به کوشش آقای حسن مصطفوی، تهران، بی‌تا.

- ۵- امین عاملی، سید محسن، *اعیان الشیعه*، تحقیق: حسن الامین، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۳۰۴ق.
- ۶- دوانی، علی، *مفاخر اسلام*، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳ش.
- ۷- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، *طبقات المفسرین*، دارالکتب العلمیه، بیروت.
- ۸- طهرانی، شیخ آقابزرگ، *الذریعه*، اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸ق.
- ۹- قمی، شیخ عباس، *سفینه البحار*، مصحح: علی اکبر الهی خراسانی، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۱۶ق.
- ۱۰- مدرسی، محمدعلی، *ریحانة الادب*، نشر شفق، تهران، بی‌تا.
- ۱۱- ملکی میانجی، محمدباقر، *تفسیر مناهج البیان*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، بی‌تا.
- ۱۲- موسوی بجنوردی، سید کاظم، *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، دفتر دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۰ش.
- ۱۳- نوری، محدث، *مستدرک الوسائل*، آل‌البيت، قم، ۱۴۱۵ق.

